

## دکتر مارک جنینگز، مارک، سخنرانی ۱۲، مرقس ۶:۴۵-۷:۲۳، راه رفتن روی آب، سنت‌های بشری

مارک جنینگز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر مارک جنینگز در حال تدریس در مورد انجیل مرقس است. این جلسه دوازدهم در مورد مرقس ۶:۴۵-۷:۲۳ است. راه رفتن روی آب، سنت‌های انسانی ۶:۴۵-۷:۲۳

من دوباره با شما خواهم بود تا به بررسی انجیل مرقس، به ویژه فصل ۶ مرقس، ادامه دهیم. آنچه که ما در فصل ۶ مرقس دیده‌ایم، در مورد فرستادن دوازده نفر و اینکه چگونه دوازده نفر، حواریون، قادر به انجام کارهای شگفت‌انگیز هستند، صحبت کرده‌ایم. و سپس بازگشت دوازده نفر پس از بحث مرقس در مورد سر بریدن یحیی تعمید دهنده، بازگشت دوازده نفر و ترتیب دادن مراسم غذا دادن به ۵۰۰۰ نفر، جایی که عیسی به شاگردانش که به تازگی با اقتدار عیسی کارهای شگفت‌انگیزی انجام داده‌اند، دستور می‌دهد که مراقب باشند تا آنها تحت نظارت و سرپرستی باشند، به عبارتی، اگر بخواهید، برای مردمی که آنجا هستند. و آنها نمی‌توانند به هیچ وجه خارج از یک موضوع انسانی، خارج از اینکه چقدر پول برای غذا دادن به همه این افراد لازم است، به این موضوع فکر کنند.

بنابراین، آنها به مسائلی با دغدغه‌های انسانی فکر می‌کنند، همانطور که هیروودیس آنتیپاس در مورد وضعیت یحیی تعمید دهنده به مسائلی با دغدغه‌های انسانی فکر می‌کرد. و بنابراین، عیسی این معجزه را انجام می‌دهد، به عنوان یک چوپان، این معجزه تغذیه ۵۰۰۰ مرد به علاوه زنان و کودکان را انجام می‌دهد. و همانطور که در مورد آن صحبت کردیم، فقط شاگردان می‌توانستند آن معجزه را ببینند.

فکر می‌کنم این مهم است زیرا ما آنچه را که در مورد شاگردان در این مرحله می‌دانیم، مشخص می‌کنیم. می‌دانیم که خودشان کارهای شگفت‌انگیزی انجام داده‌اند و آنها چیزی شگفت‌انگیز را در فهرست بسیاری از چیزهایی که شاهد بوده‌اند، دیده‌اند. این، زمینه را برای یکی از معجزات معروف‌تر عیسی فراهم می‌کند و در اینجا فصل ۶ به پایان می‌رسد؛ پس از آن، یک خلاصه کوتاه وجود دارد که راه رفتن روی آب است. من فکر می‌کنم ایده کلیدی هنگام بررسی این موضوع این است که ما شباهت‌هایی بین این رویداد و رویداد معجزه‌آسای دیگر در دریاچه، که آرام شدن طوفان بود، داریم.

در هر دو حالت، باد خواهیم داشت و بلافاصله قطع خواهد شد. همچنین شاهد وحیی از هویت عیسی خواهیم بود، تصویری از ذات الهی او. تفاسیر ایوب ۸:۹ اغلب در اینجا اشاره می‌کنند که خدا بر امواج دریا گام برمی‌دارد.

این بخشی از چیزی است که در حال رخ دادن است. بنابراین، ما این را با آیه ۴۵ بررسی می‌کنیم. بنابراین این بعد از تغذیه است.

عیسی بلافاصله شاگردانش را وادار کرد که سوار قایق شوند و در حالی که خودش جمعیت را مرخص می‌کرد، پیش از او به بیت‌صیدا بروند. پس از ترک آنها، برای دعا به دامنه کوه رفت، آیات ۴۵ و ۴۶. احتمالاً، توجه به آنچه از نظر جغرافیایی در اینجا اتفاق می‌افتد مهم است، زیرا در ابتدا کمی عجیب به نظر می‌رسد، زیرا او آنها را با قایق به بیت‌صیدا می‌فرستد که درست در شرق رود اردن قرار دارد.

اما او در واقع آنها را در حالی که به سمت غرب می‌روند، در حالی که به منطقه جنیسارت و کفرناحوم می‌روند، ملاقات خواهد کرد. یکی از سوالات این است که چگونه ممکن است به آنها دستور داده شده باشد که به سمت شرق بروند، در حالی که عیسی آنها را در قایقی که به سمت غرب می‌رود، ملاقات می‌کند؟ و من

فکر می‌کنم بهترین برداشت این است که ما مجموعه کامل دستورالعمل‌ها را در اینجا نداریم. او به آنها دستور می‌دهد که به بیت‌صیدا بروند و سپس، به خصوص اگر خودش نرسد، شروع به عبور از غرب کنند.

فکر می‌کنم این بهترین راه برای فهمیدن این است که بفهمیم این ماجرا چطور پیش می‌رود. حالا، او تصمیم می‌گیرد با آنها نرود. او تصمیم می‌گیرد برای دعا کردن برود.

این، باز هم، اولین باری نیست که عیسی برای دعا در تنهایی می‌رود. و بعد از رفتن به تنهایی برای دعا، وقتی عصر فرا رسید، داستان را ادامه می‌دهیم، قایق در وسط دریاچه بود و او تنها در خشکی بود. بنابراین، ما این حرکت زمانی را داریم.

ما می‌دانیم قایق کجاست، و او اصلاً نزدیک قایق نیست. او تنها روی خشکی است. و دید که شاگردان به دلیل باد مخالف، به سختی پارو می‌زنند.

حدود پاس چهارم شب، او به سمت آنها رفت و روی دریاچه قدم زد. بنابراین، اول از همه، به وضوح متوجه می‌شویم که عیسی متوجه این آشفتگی می‌شود. این آشفتگی طوفان در مورد واژگونی و پر شدن آب نیست بلکه آنها در تلاشند تا از این دریاچه عبور کنند و قادر به انجام این کار نیستند.

و بنابراین این به عنوان انگیزه در اینجا خوانده می‌شود. اینجا در نیمه شب، ساعت چهارم شب، آنچه او آنجا می‌بیند، و به نظر من جالب است که او چیزی را در نیمه شب می‌بیند که در حال رخ دادن است. آیا به دلیل نور بسیار زیاد ماه است؟ آیا به دلیل دید ماوراء طبیعی است؟ ما واقعاً نمی‌دانیم.

اما او بیرون می‌رود و روی آب راه می‌رود. اینجا است که فکر می‌کنم مهم است که نه تنها به ایوب ۸:۹، اشعیا ۷۷:۱۹، همه این ایده‌های زبان خدا که روی آب راه می‌رود فکر کنیم، بلکه به نظر من، ۴۳:۱۶، داستان خروج نیز مطرح می‌شود. ما همین الان در بیابان غذا خوردیم.

ما بن‌مایه‌هایی از موسی داشته‌ایم. فکر می‌کنم قرار است زبان خروج ۳۳:۱۸ را هم تا حدودی اینجا ببینیم. اما وقتی موسی نیاز داشت از دریا عبور کند، لازم بود خدا آب‌ها را بشکافد تا موسی و بنی‌اسرائیل بتوانند روی خشکی راه بروند.

اینکه موسی و بنی‌اسرائیل قادر نبودند از دریا عبور کنند. خدا مجبور شد آب‌ها را بشکافد زیرا آنها به عنوان انسان فقط می‌توانستند روی خشکی راه بروند. با این حال، در اینجا، عیسی برای عبور از دریا نیازی به شکافته شدن آب ندارد.

او قادر است روی امواج راه برود. قوانین جاذبه که او را ملزم به غرق شدن می‌کرد، اینجا نقشی ندارند. او کاری را انجام می‌دهد که خدا می‌تواند انجام دهد، یعنی پا گذاشتن روی آب.

حالا، اصطلاحات خیلی جالب هستند. او به سمت آنها می‌رود چون می‌بیند که آنها به خاطر باد مخالف، در حال پارو زدن هستند. اما بعد مرقس در پایان آیه ۴۸ می‌گوید که او در شرف عبور از کنار آنها بوده است.

خب، این چطور کار می‌کند؟ چطور می‌خواست از کنارشان رد شود؟ با توجه به تقلایشان، من به سمتشان می‌روم. و فکر می‌کنم که در حال رد شدن از کنارشان، این عبارت، روش مرقس برای نشان دادن پیام هویت الهی است که در عیسی داده شده است. به خروج ۳۳:۱۸ فکر کنید، وقتی موسی از خدا خواست که جلالش را به او نشان دهد، و خدا از کنارش گذشت. یا در اول پادشاهان ۱۹، وقتی خدا می‌گوید که قرار است از کنار ایلیا عبور کند.

من فکر می‌کنم این زبان گذرا برای به تصویر کشیدن عبور الهی از ادراک انسان استفاده می‌شود. به گمانم حداقل اشاره‌ای به آن است. و شاید حتی با اتفاقات بعدی تقویت هم بشود.

بنابراین، وقتی او را در حال راه رفتن روی دریاچه دیدند، فکر کردند که او یک روح است، نه روح عیسی، بلکه نوعی شبیح. آنها در اینجا سعی می‌کنند توضیحی ارائه دهند که چگونه این مرد در حال راه رفتن است. آنها فریاد زدند زیرا همه او را دیدند و وحشت کردند.

دوباره، این مایه‌ی وحشت وارد می‌شود. بلافاصله، او با آنها صحبت کرد و گفت، شجاع باشید؛ من هستم. خواهد بود ego eimi نترسید. و من در این مورد تعجب می‌کنم، این زبان من است، که یونانی آن

ترجمه صحیح‌تر آن در یونانی «من» است، اما می‌توان آن را «من هستم» نیز ترجمه کرد. خب، اگر دومی باشد، یعنی «من هستم»، اگر این روش ترجیحی برای گفتن باشد، خب، این بلافاصله خروج ۳ و مکاشفه خدا از نام الهی را مطرح می‌کند، «من آنم که هستم». «حالا ممکن است اغراق‌آمیز باشد

اگر من در انجیل یوحنا کار می‌کردم، در مورد این نکته اغراق نمی‌کردم. یوحنا این را به روشنی بیان می‌کند. ممکن است در اینجا بیش از حد به آن پرداخته باشم، زیرا او می‌گوید، نترسید

معمولاً ترس با واکنش درست به هویت خدا همراه است. اما با توجه به اینکه هر چیز دیگری در راه رفتن روی آب اتفاق می‌افتد، که کاری است که فقط الهی می‌تواند انجام دهد، حتی شاید عبور از آن، دشوار است که حداقل اشاره‌ای به آن نبینیم. دشوار است که حداقل اشاره‌ای ظریف یا پژواکی از آن را نبینیم

جالب اینجاست که نگرانی او این بود که آنها در مقابل باد مقاومت می‌کردند. او به آنها می‌گوید که نترسند و شجاع باشند. او با آنها سوار قایق شد و چه اتفاقی افتاد؟ باد فروکش کرد

علت مشکل متوقف شد، و حس می‌شود که یک توقف فوری وجود دارد، بی‌شبهت به زمانی که او بادها و امواج را سرزنش کرد. محققان این سوال را مطرح کرده‌اند که آیا طراحی هدفمندی برای باد وجود داشته است که خداوند آن را طوری تنظیم کرده باشد که رخ دهد تا باعث ایجاد مشکل برای وحی شود. و البته هیچ چیز فراتر از مشیت الهی نیست

اما داستان در آن نیست، و من فکر می‌کنم چون این صرفاً مربوط به هویت عیسی نیست. داستان در آن نیست. وقتی وارد این رویکرد می‌شویم، بسیار آموزنده است، زیرا اکنون به طور جدی به فصل ۸ انجیل مرقس نزدیک می‌شویم

توجه کنید که بعد از ورود او و فرو نشستن باد، آیه ۵۱ درباره شاگردان چه می‌گوید؟ آنها کاملاً شگفت‌زده شدند، زیرا ماجرای نان‌ها را نفهمیده بودند. دل‌هایشان سخت شده بود. به این عبارت توجه کنید

آنها کاملاً شگفت‌زده شده بودند. این ویژگی‌ای است که ما با جمعیت مرتبط می‌دانیم. وقتی جمعیت چیزی معجزه‌آسا می‌بیند، شگفت‌زده می‌شود

این ویژگی‌ای است که به نظر می‌رسد شاگردان را کمی بیشتر با جمعیت همسو می‌کند. در واقع، آنچه این ویژگی را تقویت می‌کند این است که شگفتی در تضاد با درک در مورد نان‌ها قرار می‌گیرد. بنابراین، هر آنچه که قرار بود نان‌ها منتقل کنند، و اگر قرار بود این تصویر موسی را منتقل کنند، کسی که پیامبری بزرگتر از موسی دارد، کسی که قرار است بیاید، پیامبر آخرالزمانی مورد انتظار، ضیافت مسیحایی

اگر قرار بود نان‌ها و تدارک نان‌ها همه این‌ها را منتقل کند، آنها این را از قلم انداخته بودند. آنها صرفاً از آنچه عیسی می‌تواند انجام دهد شگفت‌زده هستند. شاید این نشان می‌دهد که آنها از کاری که عیسی توانست در سیر کردن ۵۰۰۰ نفر انجام دهد، شگفت‌زده شده‌اند.

آنها دلیل نمادگرایی و ارتباط آن با چوپان و مفهوم آنچه به آن اشاره داشت را نفهمیدند. و سپس به ما گفته می‌شود که چرا نمی‌توانستند بفهمند، زیرا قلب‌هایشان سخت شده بود.

حال، ما قلب‌های سخت را با فریسیان و رهبران مذهبی که قلب‌هایشان سخت شده بود، مرتبط می‌دانیم. آنها در پی کشتن عیسی بودند یا نمی‌خواستند او را درک کنند یا در مقابل او بایستند. بنابراین، شاگردان اینجا، همان گروهی که توانستند کارهایی را با اقتدار عیسی بر شیاطین انجام دهند، همان پیام را آموزش دهند، معجزات انجام دهند، مرقس به ما یادآوری می‌کند که آنها در درک خود از اینکه عیسی کیست، به جمعیت و فریسیان نزدیک‌تر هستند تا در آنچه عیسی تعلیم می‌دهد، منتقل می‌کند و نشان می‌دهد.

اینکه درک آنها از عیسی به سمت فریسیان متمایل است، اینکه هنوز نوعی پنهان‌کاری وجود دارد. هنوز نوعی سخت‌دلی وجود دارد. اینکه درک آنها از چیزها ساخته و پرداخته‌ی بشر است.

آنها در این دسته‌بندی‌ها کار می‌کنند. آنها مانند جمعیت شگفت‌زده هستند، اما هنوز به آنچه ما درک درستی از عیسی می‌دانیم، نرسیده‌اند. و حتی این زبان سخت، البته، تصاویر خروج

بنابراین، کل این ساختار از داستان خروج بنی اسرائیل از مصر، تغذیه، سرگردانی در بیابان و عبور از دریا الهام گرفته شده است. بنابراین، فصل ششم، این فصل واقعاً کوتاه، در اینجا با یک بیانیه خلاصه به پایان می‌رسد. وقتی آنها از دریا عبور کردند، در جنیسارت پهلو گرفتند و در آنجا لنگر انداختند.

به محض اینکه از قایق پیاده شدند، مردم عیسی را شناختند. آنها در سراسر آن منطقه دویدند و بیماران را بر روی تشک‌ها به هر جایی که می‌شنیدند او آنجاست، بردند. و هر جا که او به روستاها، شهرها و حومه شهر می‌رفت، بیماران را در بازارها می‌گذاشتند.

آنها از او التماس کردند که حتی لبه ردایش را لمس کند، و هر که آنها را لمس کرد شفا یافت. و بنابراین همانطور که دریافتیم، این خلاصه اظهارات از چگونگی زندگی در یک رویداد خاص یا مکان خاص را دریافت می‌کنیم. بسیار خوب، حالا می‌خواهم به فصل هفتم بروم.

و همانطور که به فصل هفتم می‌پردازیم، آنچه را که در مورد شاگردان، سنت‌های بشری، فریسیان و غیره گفته شده است، در نظر داریم. و فکر می‌کنم بررسی این موضوع مهم است. بنابراین، اولین قسمت اصلی در فصل هفتم، یک قسمت درگیری است، آیات ۱ تا ۲۳.

ما یک رویارویی داریم. عیسی بر سر سنت شفاهی با فریسیان درگیر می‌شود. هیچ ارتباط آشکاری بین این و قسمت‌های قبلی وجود ندارد. ما پیوند جغرافیایی مشخصی در آنجا نداریم، اما از نظر مفهومی با آنچه در مورد عیسی و تعامل او با فریسیان دیده‌ایم، مطابقت دارد.

و هر جا که او با جمعیت می‌رود، هر جا که شفاها اتفاق می‌افتد و مردم می‌آیند، اغلب فریسیان و رهبران مذهبی که او را به چالش می‌کشند، همراه او هستند. بنابراین، این حرف بی‌جایی نیست. اجازه دهید کمی از مراحل را شروع کنم.

فریسیان و برخی از علمای شریعت که از اورشلیم آمده بودند، دور عیسی جمع شدند و دیدند که برخی از شاگردانش با دست‌های نجس و نشسته غذا می‌خورند. در پراوتز، فریسیان و همه یهودیان تا زمانی که دست‌های خود را به طور رسمی نشویند، غذا نمی‌خورند و به سنت بزرگان پایبند هستند. وقتی از بازار می‌آیند، تا زمانی که خود را نشویند، غذا نمی‌خورند و بسیاری از سنت‌های دیگر مانند شستن فنجان، کوزه و دیگ را رعایت می‌کنند. شاید برای روشن شدن موضوع، بتوان گفت که این موضوع بسیار شبیه به سایر رویدادهای بحث‌برانگیز با رهبران مذهبی در انجیل مرقس است، جایی که رهبران مذهبی شاگردان را در حال انجام کاری می‌بینند و بنابراین اکنون می‌خواهند در مورد آن به عیسی مراجعه کنند.

و کاری که شاگردان به طور خاص انجام می‌دهند این است که به نظر می‌رسد بدون اینکه دست‌هایشان را، برای خوردن آماده کرده باشند، غذا می‌خورند. سپس، توضیح داخل پراوتز در آیات ۳ تا ۴ جذاب است. اولاً، به اندازه کافی جالب است زیرا مرقس توضیح داخل پراوتز می‌دهد. او برای خواننده‌اش توضیح می‌دهد که در مورد چه چیزی صحبت می‌کند، و این نشان می‌دهد که مخاطبان او ممکن است قبلاً این را متوجه نشده باشند، یا حداقل بخشی از مخاطبان او درک آماده‌ای از این اشاره نداشته باشند.

و بنابراین، او می‌خواهد در مورد آنچه فریسیان در این جریان در مورد آن صحبت می‌کردند، بینشی ارائه دهد. با این حال، باید به جزئیاتی نیز توجه کنیم که فریسیان و همه یهودیان تا زمانی که دست‌های خود را به طور رسمی نشویند و به سنت بزرگان پایبند نباشند، غذا نمی‌خورند. بنابراین، این شستشوی رسمی که فریسیان اکنون قرار است در مورد آن از عیسی سوال کنند، ریشه در سنت شفاهی و آموزه‌های بزرگان در مورد وضعیت پاکیزگی دارد.

این تا جایی گسترش می‌یابد که آنها تا زمانی که خود را نشویند، غذا نمی‌خورند و بسیاری از سنت‌های دیگر مانند شستن فنجان، کوزه و کتری را رعایت می‌کنند. بنابراین، شما به جامعیت این سنت و این اعمال آیینی پی می‌برید. به خاطر داشته باشید که این در چارچوب این ایده قرار دارد که فریسیان ملاحظاتی را که در قانون به کاهنان در مورد نحوه استفاده از ظروف در معبد دستور داده شده بود، برای همه مردم، همه یهودیان، اعمال می‌کردند.

و بنابراین، این قوانین طهارت، امتدادی دارند. حال، زمانی که مدتی بود فریسیان را ندیده بودیم، در واقع فریسیان از فصل سوم به بعد دیگر در صحنه نبودند، و همین امر در مورد کاتبان نیز صدق می‌کند. یکی از نکات این است که می‌دانیم آنها از اورشلیم آمده‌اند، و ما از قبل شروع به ایجاد این مخالفت کرده‌ایم.

و بنابراین، این گروه از اورشلیم، این فریسیان و این رهبران مذهبی اشاره می‌کنند که یک عمل ناپاک، فقدان نظافت آیینی که ضروری بوده، وجود دارد. و البته، می‌توان درک کرد که چرا فریسیان و رهبران مذهبی ممکن است با گسترش الزامات کاهنی در خروج ۳۰ و ۴۰ و لاویان ۲۰، نظافت آیینی را هدف قرار دهند، زیرا ما در این دوره زمانی هستیم که مواجهه یهودا با فرهنگ غیریهودی به طور چشمگیری افزایش یافته است.

و بنابراین، حتی ممکن است نیاز به شکاف عمیق‌تری، به تعبیر یکی از مفسران، بین آنچه پاک و آنچه ناپاک است، وجود داشته باشد. بنابراین، ما آن را در آیه پنجم بررسی می‌کنیم. بنابراین، فریسیان و معلمان شریعت از عیسی می‌پرسند، چرا شاگردان شما به جای خوردن غذای خود با دست‌های ناپاک، طبق سنت بزرگان زندگی نمی‌کنند؟ اکنون، عیسی به این سوال پاسخ می‌دهد.

و عیسی، از بسیاری جهات، به این مسئله سنت بزرگان و اهمیت آن پاسخ می‌دهد. سنت بزرگان، این سنت شفاهی است که برای کمک به درک شریعت وضع شده است. مبلغ مذهبی، سنت شفاهی را حصار پیرامون تورات می‌نامد.

این متن تمام مفاهیم را به تفصیل شرح می‌دهد. و وقتی عیسی پاسخ می‌دهد، همانطور که اغلب به رهبران مذهبی با مراجعه به آنچه کتاب مقدس می‌گوید، پاسخ می‌دهد. او پاسخ داد که اشعیا در مورد شما درست می‌گفت.

اشعیا درست گفت وقتی درباره شما ریاکاران پیشگویی کرد. همانطور که نوشته شده است، این مردم با لب‌هایشان به من احترام می‌گذارند، اما دلشان از من دور است. آنها بیهوده مرا عبادت می‌کنند. تعالیم آنها قوانینی است که توسط انسان‌ها آموخته شده است.

فکر می‌کنم اینجا باید به چند نکته اشاره کنم. اول اینکه پاسخ عیسی به این سوال که چرا شاگردان از سنت بزرگان پیروی نمی‌کنند، دفاع از عمل نیست، بلکه متهم کردن اساس سوال است. او فریسیان، این معلمان شریعت، این مفسران شریعت را معرفی می‌کند و می‌گوید: اشعیا در مورد شما صحبت کرد، زمانی که رهبران مذهبی فعلی زمان اشعیا را محکوم می‌کرد، رهبرانی که خدا را گرامی نمی‌داشتند، کسانی که پرستش می‌کردند اما نه به دلایل واقعی، کسانی که در آموزه‌هایشان صرفاً آموزه‌های انسانی و قوانین بشری بود.

بنابراین، توجه کنید که او در اینجا با این گروه چه کرده است، کسانی که خود را به عنوان کسانی که متخصص در حفظ تورات هستند، متخصصان در اهمیت سنت، کسانی که می‌گفتند، ما اطمینان حاصل می‌کنیم که یک ارادت واقعی و مداوم به خدا و شریعت و راه‌های او وجود دارد. می‌دانید، او گفته بود، وقتی اشعیا با افراد شرور تبعیدی که منجر به تبعید، به رهبری مذهبی فاسد شد، صحبت کرد، در واقع در مورد شما نیز صحبت می‌کرد. خب، ما این را در سراسر انجیل مرقس می‌بینیم، جایی که عیسی رهبران مذهبی فعلی را می‌گیرد و آنها را در خانواده بنی اسرائیل نافرمان، قوم یهود نافرمان عهد عتیق قرار می‌دهد، و او این کار را در اینجا نیز انجام داده است.

زبان ریاکارانه نیز جذاب است. او آنها را ریاکار می‌نامد. این توهین رایج عیسی به این گروه است.

در انجیل‌های دیگر، عیسی مکرراً می‌گوید، ای ریاکاران. حال، این اصطلاح ریاکار، این ایده را دارد. در واقع از این مفهوم سرچشمه می‌گیرد و به نوعی بر این معنا حمل می‌شود.

این در یونان باستان و به نوعی یونانی قبل از اینجا بوده است، و این اصطلاح برای بازیگر بوده است، کسی که یک شخصیت را به نمایش می‌گذارد و این کار را برای تشویق انجام می‌دهد، این کار را برای سرگرمی انجام می‌دهد، که واقعاً آن نمایش را از متی به وضوح می‌بینید، جایی که شما ریاکاران هستید، و سپس او به مذاهب مختلف، چه نماز خواندن یا روزه گرفتن یا دادن صدقه، می‌پردازد و رهبران مذهبی را به ریاکاری متهم می‌کند. آنها پاداش خود را با ستایش و تمجید مردم دریافت می‌کنند، اما پاداشی از بهشت دریافت نمی‌کنند. آنها موتیف بازیگر هستند، و من فکر می‌کنم بسیار مناسب است زیرا این ایده تحسین عمومی را بر یک شخصیت دارد. من فکر می‌کنم در اینجا نیز مناسب است که او می‌گوید، شما ریاکاران، شما ادعا می‌کنید که آموزه‌های مذهبی خدا را ارائه می‌دهید، اما کاری که شما در واقع انجام می‌دهید نشان دادن این است که فداکاری شما نه به دغدغه‌های الهی، بلکه به دغدغه‌های انسانی و مردانه است.

آیه ۸ حتی این را روشن می‌کند. شما از فرامین خدا دست کشیده‌اید و به سنت‌های بشری چسبیده‌اید. بنابراین، او این حکم را علیه آنها صادر می‌کند.

توجه داشته باشید که او هنوز از این عمل دفاع نکرده است. او اشاره کرده است که خود عمل پرسیدن این سوال، نشان‌دهنده‌ی شخصیت فریسیان و رهبران مذهبی است، همانطور که اتهام آنها مبنی بر اینکه عیسی تسخیر شده و با بعلزبول همدست بوده، نشان‌دهنده‌ی سرسختی آنها تا حد کفر به روح القدس بود. در اینجا آنها این سوال را در مورد نگرانی در مورد سنت شفاهی می‌پرسند که نشان می‌دهد اولویت آنها کجاست.

و سپس او مثالی می‌زند و به آنها می‌گوید، شما روش زیرکانه‌ای برای کنار گذاشتن احکام خدا دارید تا سنت خودتان را رعایت کنید. بنابراین، او در شرف ارائه استدلال روشنی در عهد عتیق است که اتهامی را که مطرح کرده توجیه می‌کند. از نظر من، به اندازه کافی جالب است که به نظر من متن یونانی جالب است، عبارت دقیقی که در آن می‌گوید اشعیا درست گفته است، این کلمات به همان شیوه‌ای هستند که شما روش زیرکانه‌ای برای کنار گذاشتن دارید.

بنابراین، حتی کمی طنین اصطلاحات در آنجا وجود دارد. موسی گفت، بنابراین او در اینجا اتهام عدم پیروی آنها از دستورات خدا را مطرح می‌کند. زیرا موسی گفت، به پدر و مادر خود احترام بگذارید.

بنابراین، ما اینجا در مورد ده فرمان صحبت می‌کنیم. و هر کسی که پدر یا مادر خود را نفرین کند، باید کشته شود. بنابراین، در اینجا تأسیس پنجمین فرمان، یکی از احکام اساسی موسی، مطرح می‌شود.

اما شما می‌گویید اگر مردی به پدر یا مادرش بگوید، هر کمکی که ممکن بود در غیر این صورت از من دریافت کنید، کوربین است، این هدیه‌ای است که به خدا اختصاص داده شده است، پس دیگر به او اجازه نمی‌دهید کاری برای مادرش، برای پدر یا مادرش انجام دهد. شاید لازم باشد کمی در مورد این انتقاد کوربین که اینجا مطرح می‌شود فکر کنیم. بنابراین، رسم و رسومی که اینجا در حال شکل‌گیری است، در اطراف لایوان ۲۷ و ۲۸ و اعداد ۱۸ و ۱۴ در حال شکل‌گیری است.

این ایده وقف یک خیر خاص به خدا، کنار گذاشتن چیزی برای هدف خداوند. این در واقع به بحث بزرگی در مورد احکام و مقررات مربوط به این ایده کوربین تبدیل شد. و اگر در مورد آن فکر کنید، کوربین تا حدودی به چیزی تبدیل شد که ما امروزه آن را بخشش معوق می‌نامیم، جایی که شما چیزی را به یک موسسه می‌دهید، اما حق استفاده از آن را تا زمان مرگ خود حفظ می‌کنید.

شما حقوق را حفظ می‌کنید. بنابراین، مثلاً ممکن است من ملکی را به یک کالج محلی بدهم، اما اجازه دارم در آن زندگی کنم و از آن ملک درآمد کسب کنم. اما پس از مرگ من، کالج ملک را دریافت می‌کند.

این نوعی بخشش به تعویق افتاده است. و این، به یک معنا، همان چیزی است که اینجا در مورد کوربین اتفاق می‌افتد. نکته این است که این ایده کوربین، یعنی شخصی که چیزی را برای خدمت و معبد کنار می‌گذارد، اکنون به عنوان راهی برای کنار گذاشتن وظیفه پسر در مراقبت از والدینش در بزرگسالی، برای احترام به مادر و پدرش، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

و این نه تنها این مکانیسم در حال اجرا بود، بلکه در واقع توسط رهبران مذهبی تقویت می‌شد. به این معنی که دیگر به او اجازه نمی‌دهید کاری برای پدر یا مادرش انجام دهد. بنابراین، اگر پسری اموال یا بخشی از اموال خود را به عنوان بخشی از معبد اعلام کند، نمی‌تواند از آن به نفع شخص دیگری استفاده کند، اگرچه هنوز مجاز است که منافع آن را برای خود حفظ کند.

اما او به پدر و مادری که اکنون ممکن است قادر به تأمین معاش یا نیاز به مسکن یا کار نباشند، می‌گوید که پسر اکنون مورد تحریم قرار گرفته و رهبران مذهبی به او اجازه داده‌اند که به والدینش بگوید، من نمی‌توانم به شما کمک کنم. زیرا به گفته من، این قطعه از اموال متعلق به خداست، حتی اگر من هنوز بتوانم حق استفاده از آن و داشتن آن را حفظ کنم. در واقع، هنگامی که ملکی به عنوان قربانی ارائه می‌شد، نه تنها رهبری مذهبی از شکستن قربانی کوربین جلوگیری می‌کرد، بلکه طبق گفته یوسفوس، شما در واقع باید چیزی به قربانی غیر کوربین پردازید.

بنابراین، وقتی چیزی مثل قربان را وقف می‌کردید، اگر می‌خواستید آن را پس بگیرید، باید پول می‌دادید. این مثال روشی از این واقعیت است که هیچ نمایشی بزرگتر از احترام به پدر و مادر، به اندازه مراقبت از آنها نیست. با این حال، رهبری مذهبی نه تنها این قانون کورین را که ریشه در تفسیر کتاب مقدس دارد، مجاز می‌داند، بلکه آن را تقویت هم می‌کند.

آنها با کورین به عنوان راهی برای فرار از تعهدات دیگری که ممکن است به نفع مالی آنها نباشد، رفتار می‌کنند. این به نمونه‌ای بزرگ از ریاکاری آنها تبدیل می‌شود، به طوری که رسم وقف کالاهای خاص به خداوند در لایوان ۲۷ و اعداد ۱۸، به معنای لغو ده فرمان نبود. با این حال، آنها اجازه داده‌اند که این اتفاق بیفتد.

و سپس عیسی می‌گوید، بدین ترتیب شما با سنت خود که به نسل‌های بعدی منتقل کرده‌اید، کلام خدا را باطل می‌کنید و کارهای زیادی از این قبیل انجام می‌دهید. دوباره، عیسی جمعیت را به سوی خود فراخواند و گفت: همه به من گوش دهید. بنابراین، این تصویر نشان می‌دهد که او به تازگی از عمل خود در مورد کورین انتقاد کرده است.

می‌گوید، همه به من گوش دهید، این را بفهمید. هیچ چیز از بیرون نمی‌تواند با داخل شدن به درون انسان، او را نجس کند. بلکه آنچه از درون انسان بیرون می‌آید، او را نجس می‌کند.

این اکنون پاسخی است به اتهام ناپاکی دست‌های کسانی که غذا می‌خورند. آنچه آنها بحث می‌کردند، آنچه رهبران مذهبی فریسیان و اهل اورشلیم استدلال می‌کردند، این بود که شاگردان با خوردن اعمال ناپاک و آلوده با دست‌هایشان، خود را از نظر پاکیزگی نجس می‌کردند. و اینکه به نوعی، آنها اکنون، با نقض سنت ناپاک می‌شدند.

پاسخ عیسی پس از اشاره به ریاکاری و انگیزه‌ای که فریسیان واقعاً به آنچه کتاب مقدس در مورد پاکی و ناپاکی و اطاعت از خدا و نه اطاعت از خدا می‌گوید اهمیت نمی‌دهند، سپس برمی‌گردد و می‌گوید، به همین دلیل است که این عمل، عملی نیست که نیت خدا را آشکار کند. فریسیان و رهبران مذهبی درگیر این هستند که چگونه ممکن است غذا آلوده شده باشد، یا ممکن است فرآیند خوردن آن آلوده شده باشد، اما آنچه وارد دهان می‌شود چیزی نیست که فرد را نجس می‌کند، بلکه آنچه از دهان خارج می‌شود آن را آشکار می‌کند. آنچه از دهان فریسیان خارج می‌شود، ناپاکی آنها را آشکار می‌کند زیرا آنها این عمل کورین را تأیید می‌کنند نه آنچه که به شاگردان وارد می‌شود، چه دست‌های خود را بشویند و چه نشویند.

بعد از اینکه جمعیت را ترک کرد و وارد خانه شد، شاگردانش درباره این مَثَل از او پرسیدند. آیا تو اینقدر کودنی؟ من عاشق این پاسخ هستم. او می‌پرسد، آیا تو اینقدر کودنی؟

آیا نمی‌بینید که هیچ چیزی که از بیرون وارد بدن انسان شود، نمی‌تواند او را نجس کند؟ زیرا به قلب او نمی‌رود، بلکه به شکم او می‌رود و سپس از بدنش خارج می‌شود. با این گفته، عیسی همه غذاها را پاک اعلام کرد. این نظر داخل پرانتز جالب است زیرا به نظر من، مرقس در اینجا، از بسیاری جهات، آموزه‌های عیسی را تعمیم می‌دهد که با آموزه‌های کلیسای اولیه مطابقت دارد.

و بنابراین، شما قصد ندارید که عیسی همه غذاها را پاک اعلام کند، بلکه درک معقولی از این دارید که اگر ظروف و شستن دست‌ها نباشد، و این کسی را نجس نمی‌کند زیرا این بر قلب تأثیر نمی‌گذارد، در واقع حتی محتوا، هویت خود غذا، نیز ناپاک است. و بنابراین، مرقس اشاره می‌کند که پطرس از رؤیای خود تعلیم می‌داد و پولس نیز تعلیم می‌داد، و ما در مورد اینکه چگونه مرقس به احتمال زیاد همراه پولس و پطرس بوده است، اگر نویسنده را به درستی درک کنیم، صحبت کردیم، که ارتباطی بین آنچه پطرس می‌گوید و آنچه

پولس می گوید و تعلیم عیسی وجود دارد. اینکه عیسی، اگرچه مستقیماً در مورد مسائل مربوط به قانون کوشش صحبت نکرد، اما مطمئناً صدق می کند.

او ادامه داد و گفت آنچه از انسان بیرون می آید، اوست که او را نجس می کند. می دانید، زیرا از درون، از قلب انسان، افکار پلید، فساد جنسی، دزدی، قتل، زنا، طمع، کینه توزی، فریب، هرزگی، حسادت، تهمت، تکبر و حماقت سرچشمه می گیرد. و این بدی ها از درون سرچشمه می گیرند و انسان را نجس می کنند.

البته این ادامه ی بحث هایی است که ما در مورد قوانین طهارت با رهبران مذهبی و عیسی داریم، و اینکه چه چیزی کسی را نجس و چه چیزی او را پاک می کند. طهارت عیسی چگونه با عمل تطهیر همراه است؟ و اکنون دیده ایم که اگر صحبت از قلب و درون باشد، پس وقتی گفته می شود عیسی پاک است و گناهان شما بخشیده شده است، او مقررات بیرونی یک سنت شفاهی را که برآورده شده اند در نظر ندارد، بلکه تغییر واقعی قلب را مد نظر دارد. ما به داستان عیسی در انجیل مرقس با زن سوری فینیقی ادامه خواهیم داد و سپس به فصل ۸ خواهیم رفت.

این دکتر مارک جنینگز در آموزه های خود در مورد انجیل مرقس است. این جلسه ۱۲ در مورد مرقس ۶:۴۵-۷:۲۳ است. راه رفتن روی آب، سنت های انسانی ۷:۲۳.